



مجتهدی که اولین حوزه علمیه زنانه را تأسیس کرد

«بانو امین» اولین زن مجتهد جهان اسلام است که تسلط و علم بالای او سبب تحیر علمای تراز اول شیعه شد.

«بانو امین» اولین زن مجتهد جهان اسلام است که تسلط و علم بالای او سبب تحیر علمای تراز اول شیعه شد.

گروه خانواده؛ سیده راضیه حسینی؛ فقیه، عارف، حکیم و مفسر قرآن مشهور اصفهانی؛ این ویژگی ها ناخودآگاه تصویر یکی از مردان بزرگ تاریخ را به ذهن می آورد، اما این ها مشخصات «بانو امین»، اولین زن مجتهد ایرانی است. کسی که شرایط سخت دوره قاجار و پهلوی و مصیبت هایی که در زندگی برایش پیش می آید، سد راهش نمی شود و با حمایت خانواده اش، سال ها علوم مختلف را یاد می گیرد. در چهل سالگی به مرحله ای می رسد که علمای طراز اول شیعه، از تسلط و رتبه علمی او متحیر می شوند و بزرگانی مانند علامه جعفری، علامه طباطبایی و شهید مطهری از ایران و بسیاری از علمای خارجی، از جمله حوزه نجف برای دیدار ایشان درخواست وقت می کنند. این بانوی دانشمند مسلمان، هم یک همسر و مادر مهربان و خوش سلیقه است و هم کتاب های زیادی می نویسد، اولین حوزه علمیه مخصوص زنان را تأسیس می کند و شاگردان زیادی را تربیت می کند و با تألیف بیش از 10 اثر برجسته و تفسیر 15 جلدی قرآن کریم با نام «مخزن العرفان»، شهرتی جهانی می یابد.

کودکی که بیشتر از بازی کردن، به درس خواندن علاقه دارد

سیده نصرت بیگم امین در سال ۱۲۶۵ در اصفهان به دنیا می آید؛ پدرش حاج سید محمدعلی امین التجار، مردی مؤمن و از بازرگانان سرشناس اصفهان است. سیده نصرت تنها دختر خانواده است و سه برادر دارد. در آن سال ها فرستادن دختران به مکتب و مدرسه نه تنها مرسوم نیست بلکه پدر و مادرهایی هستند که حتی یادگرفتن خط و نوشتن را برای دختران شان جایز نمی دانند. اما زهرا خاتون، مادر نصرت بیگم که بانویی متدین است، سواد و قرآن یادگرفتن دخترش برایش خیلی مهم است و او را در 4 سالگی به مکتب می فرستد.

فضای مکتب خانه های آن سال ها بسیار خشک است و معلمش خانم پیر سخت گیری است که او را «گوشت ناپز» می داند اما تشویق مادر و علاقه اش به یادگیری باعث می شود همه این سختی ها را تحمل کند و خوب درس بخواند. نصرت بیگم خردسال نیز علاقه زیادی به خواندن و نوشتن و یادگرفتن دارد؛ آنقدر که اغلب آن را به بازی کردن ترجیح می دهد.

همسرش مشوق اصلی اوست

سیده نصرت بیگم همزمان با درس خواندن، ۱۵ ساله که می شود با پسرعمویش ازدواج می کند. همسرش حاج میرزا از بازرگانان سرشناس اصفهانی است و به «معین التجار» مشهور است. هوش و ذکاوتش باعث می شود همسرش همیشه در کارها با او مشورت کند. اما وظایف و مسئولیت های جدیدش نه تنها مانع مسیر کسب علم او نمی شود بلکه همسرش نیز از مشوقان اصلی او است و حتی شرایط برگزاری کلاس ها و بهره گرفتن از درس اساتید را در منزل را برای او فراهم می کند تا بدون دغدغه و در آرامش و امنیت خانه، درس خواندن را ادامه دهد.

نصرت بیگم به ادامه تحصیلات خود در علوم دینی، فقه و اصول و زبان عربی ادامه می دهد و همزمان در حکمت و فلسفه نیز شروع به علم آموزی می کند. در این زمان او 20 ساله است و آنطور که بعدا می گوید: «به جهت اشتیاق شدیدی که به مطالعه داشتم چنان خود را می rlm& یافتم که گویا از امور لهُو و مزخرف دنیا اعراض دارد و به این ها انس نمی rlm& گیرد؛ بلکه قلبم به چیز دیگری بستگی دارد. هرگاه از یک عالم یا واعظی چیزی از اوصاف حق تعالی می rlm& شنیدم قلبم به سخن او میل مفرطی می rlm& نمود. گویا سرتاپا گوش می rlm& شدم».

به لحاظ وراثتی، طایفه امین در کسب و تجارت، یک طایفه معتبر هستند اما نه اهل علم. سیده نصرت بیگم همانطور که با محیط زندگی و استهزاهایی که متوجهش می شود، مبارزه می کند، با وراثتش نیز مبارزه می کند و در یک خاندان بسیار ثروتمند و متمول، همه هم و غمش را کسب علم قرار می دهد.

اما زندگی به او بسیار سخت می گیرد و مادری می شود که داغ هفت فرزند را به چشم می بیند و تنها یک فرزند برای او می ماند. نصرت بانو این داغ های سنگین را «ابتلاء» و «آزمایش الهی» می داند و با آنکه بسیار داغدار است، مسیرش را با قوت بیشتری طی می کند. نقل شده است که دو فرزند کوچک بانو امین در دوران جنگ جهانی اول به فاصله چند روز فوت می کنند و آیت الله حاج میر سیدعلی نجف آبادی، استاد وی که برای تدریس به خانه بانو امین می رود، تصمیم می گیرد کلاس درس را برای سه روز تعطیل کند، سیده نصرت بیگم امین علت این تعطیلی کلاس را جویا می شود و استاد می گوید: «من شرمم می شود که بچه تان تازه از دنیا رفته برای درس بیایم» و او پاسخ می دهد: «من پیش خدا شرمم می شود که سه روز است چیزی نخوانده‌ام. خدا یک چیزی به من داد خودش هم گرفت.» آیت الله نجف آبادی می گوید: «من همیشه فکر می کردم حاجیه خانم بعد از مرگ فرزندان شان دست از تحصیل می کشند؛ اما دو روز بعد می دیدم ایشان افرادی را برای تحصیل پی من فرستاده اند».

کتابی که حیرت علمای نجف را بر می انگیزد

سیده نصرت بیگم در علوم اصلی زمان خودش مانند صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه و اصول استاد می شود و در فلسفه و عرفان نیز به تسلط می رسد. در سن 40 تا 45 سالگی است که اولین تألیفش به نام «اربعین الهاشمیه» را به زبان عربی منتشر می کند. این کتاب به عنوان کتاب چهل حدیث ایشان به شمار می رود و در آن به شرح فلسفی، عرفانی، اصولی و فقهی احادیثی درباره توحید و صفات حق تعالی و اخلاق و احکام شرع می پردازد. وقتی این کتاب به حوزه علمیه نجف رسید، مورد تقدیر و تحیر علما قرار می گیرد. استاد او، سیدمحمدعلی نجف آبادی در تأیید قدرت علمی سیده نصرت بیگم می گوید: «بانو امین هرچه در این کتاب نوشته است، تراوشات فکری خودشان است». این کتاب الان از مهم ترین کتاب های نفیس اسلامی است.

علما برای ملاقات اولین زن مجتهد در خواست وقت می کنند

بعد از نگارش همین کتاب است که بعضی از علماء و مراجع تقلید در صدد برمی آیند از ایشان امتحان اجتهاد بگیرند. از جمله مرحوم آیه الله العظمی محمد کاظم شیرازی، آیت الله العظمی عبد الکریم حائری (موسس حوزه علمیه قم)، آیت الله ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی. پس از امتحان و طرح پرسش های بسیار و دریافت جوابیه های کافی و مطمئن، به ایشان اجازه اجتهاد و استنباط احکام شرع می دهند. خانم امین همچنین از آیت الله محمد رضا نجفی اصفهانی و حجت الاسلام والمسلمین مظاهری نجفی اصفهانی اجازه روایت حدیث دریافت می کند و به آیت الله العظمی مرعشی نجفی و حجة الاسلام والمسلمین زهیر الحسون نیز اجازه روایت می دهد.

اینطور می شود که خانم امین در مقام تنها بانوی مجتهد عصر خود قرار می گیرد و علما و افراد زیادی از کشورهای اسلامی برای ملاقات و گفت و گو نزد ایشان می آیند. بانو قلمکار، از شاگردان نزدیک بانو امین می گوید: به خاطر دارم که در آن زمان حضرات آیاتی چون علامه جعفری، علامه طباطبایی و شهید مطهری از ایران و بسیاری از علمای خارجی، از جمله حوزه نجف برای دیدار ایشان درخواست وقت می کردند.

تسلط علمی بانو مورد تقدیر علمای بزرگ شیعه قرار می گیرد و این بزرگان به صورت مکتوب جایگاه ویژه بانو امین در علوم اسلامی روز را مورد تأیید قرار می دهند. آیت الله محمد تقی جعفری درباره بانو امین گفته اند: «با توجه به آثار قلمی که از این خانم در دسترس ما قرار گرفته است، به طور قطع می توان ایشان را از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود، و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده است، بلکه با نظر به مقام عالی روحی، باید ایشان را در گروه نخبه ای از دانشمندان به شمار آورد که به اضافه فراگرفتن دانش، به تولد جدید در زندگی نایل می شوند.»

کتاب های دیگر او شامل جامع الشتات (به زبان عربی)، معادیا آخرین سیر بشر، النفحات الرحمانیه فی الواردات القلییه (به زبان عربی)، اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)، مخزن العرفان (تفسیر القرآن در 15 جلد)، روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی، مخزن الثانی فی مناقب مولی الموالی علی علیه السلام، سیر و سلوک در روش اولیاء طریق سیر

سعداء است. کتاب‌هایی که جزو کتاب‌های طراز اول و محل مراجعه بسیاری از اساتید و علم‌پژوهان است. بانو امین همه کتاب‌هایش را با نام «بانوی ایرانی» منتشر می‌کند.

همسر و مادری مهربان و خوش سلیقه است

اما اراده و صرف وقت برای یادگیری علوم مختلف باعث نمی‌شود از خانه داری و هنرهای زنانه غافل بشود. اینکه یک همسر و مادر خوب باشد برایش از اولویت‌های زندگی است و در خانه داری بسیار با سلیقه است. روابط اجتماعی خوبی دارد و با آداب خاصی از میهمانان پذیرایی می‌کند. مخصوصاً اینکه خانواده‌اش از تجار بزرگ اصفهان است و رفت و آمدهای زیادی دارند و او باید همه را مدیریت کند. هنرهای زنانه‌ای مانند خیاطی را هم بلد است و در آن مهارت دارد. کسانی که با او ارتباط نزدیک دارند می‌گویند، اصل مهم زندگی‌اش رعایت تعادل بود؛ چه در پرداختن به اولویت‌های زندگی و چه در مدیریت خانه. هر موقع میهمان داشت، به اندازه همان یک نفر غذا می‌پخت.

یکی دیگر از شاگردان بانو امین می‌گوید: «در مورد زندگی خانم امین باید بگویم که در تنظیم وقت، ابتکاری عجیب داشتند و چنان اوقات خود را تنظیم می‌کردند که به تمام کارهایش می‌رسید، گویا خداوند به وقت ایشان هم، برکت داده بود. هرگز از حوادث نمی‌ترسید و در کارها به خدا توکل می‌کرد و از میهمانان با خوشرویی و سادگی پذیرایی می‌کرد. می‌خواست جوانان را بدون اجبار و با منطق، جذب اسلام کند.»

تزکیه نباشد، سقوط حتمی است

بانو امین درباره مشارکت اجتماعی زنان دیدگاه روشنی دارد: «زن از کسب و کار معاف نیست، بلکه نخستین وظیفه او این است که به کارهای داخلی و اختصاصی خود بپردازد و پس از آن به کارهایی که منافعی با مقام عفت، تستر و پوشش وی نباشد، مشغول گردد.»

بانو امین با تمام تأکید و تکیه‌ای که بر روی یادگیری علم دارد، بسیار تأکید می‌کند که حتماً باید علم با عمل، تهذیب و تزکیه همراه باشد وگرنه فقط باعث غرور می‌شود و در چنین شرایطی ممکن نیست که انسان بتواند صعود کند و سقوطش حتمی و صد در صد است. بر روی تزکیه نفس بسیار تأکید می‌کند و می‌گوید: «نفس را تزکیه کنید که بعثت انبیا به همین دلیل بوده است.»

نوشته‌هایم مدیون ارشاد و کمک «او» است

نگاه موحدانه بانو امین به دنیا و زندگی در تمام کتاب‌ها و شرح حال نویسی‌هایش پررنگ است. نگاهی که همه داشته‌هایش را مدیون عنایت خداوند می‌داند. او درباره مسیر شکل گرفتن این نگاه می‌نویسد: «بعد از گذشتن زمان طفولیت و کودکی بلکه از اول دوران شناخت، همواره قلبم را متعلق و متوجه به شیء و امر ناشناخته (خداوند متعال) می‌دیدم و نفسم را طالب ادراک و فهم آن می‌دیدم لکن نمی‌دانستم حقیقت آن چیست و راه وصول و رسیدن به آن چگونه می‌باشد تا اینکه عطا کرد پروردگارم مرا و چشمم را به نور توحید روشن گردانید و بر قلبم درهای اشراقات الهی گشوده شد...»

شاگردی که یک روز را هم نمی‌تواند بدون ملاقات استاد بگذراند

بانو امین شاگردان بزرگی را تربیت می‌کند که هر کدام از اساتید بزرگ علوم اسلامی می‌شوند. اولین شاگرد او بانو علویه همایونی است که پنجاه سال در حضور او مباحث مختلف را یاد می‌گیرد و به درجه علمی بالایی می‌رسد. بانو علویه اولین زنی است که وارد دانشکده وعظ و تبلیغ تهران (دانشکده الهیات کنونی) می‌شود و در کنار طلاب مرد به

درس خواندن مشغول می شود. او فعالیت های علمی و پژوهشی زیادی را انجام می دهد و از زنان بزرگ تاریخ ایران می شود. می گویند ارتباطش با بانو امین به گونه ای بود که بانو همایونی حتی یک روز را هم نمی تواند بی درس و ملاقات استاد بگذراند و هنگام وفات بانو امین، او تنها کسی که بر بالین او حاضر است.

اولین حوزه علمیه مخصوص زنان در مرکز توجه کشورهای اسلامی

فراهم نبودن شرایط برای درس خواندن دختران و زنان در محیطی سالم و بدون داشتن دغدغه شهریه و مخارج بالا، یکی از ذهن مشغولی های بانو امین است. بعد از سال ها برگزاری کلاس و جلسات متعدد در منزل خودش، با پیشنهاد بانو همایونی یک حوزه علمیه مخصوص بانوان را تأسیس می کند و تنظیم برنامه درسی و تدریس را تحت مدیریت و نظارت بانو همایونی به شاگردانش می سپارد. کار اولین حوزه علمیه بانوان با عنوان مکتب فاطمه با ۶۰ نفر بانویی که شوق آموختن علوم دینی دارند آغاز می شود. در این حوزه رشته های فقه، اصول، حکمت، عرفان، فلسفه و سایر علوم اسلامی تدریس می شود و بعدها 600 تا 1000 شاگرد را جذب می کند. اما از آن مهم تر اینکه مکتب فاطمه نه تنها از شاگردان شهریه ای دریافت نمی کند بلکه تمام هزینه های آن توسط خود حاجیه خانم امین پرداخت می شود. سطح علمی و فضای منحصر بفرد این مکتب زنانه باعث می شود بسیاری از اساتید دانشگاه های کشورهای اسلامی مانند اندونزی، مالزی، پاکستان و ... برای بازدید و کسب تجربه به این دانشگاه سر بزنند.

اولین دبیرستان دخترانه تأسیس می شود

اما دخترانی هم هستند که دوست دارند به دبیرستان بروند اما شرایط مدرسه های آن دوره مثل مختلط بودن و حضور معلمان مرد این امکان را برای بسیاری از آنان فراهم نمی کند. به همین خاطر است که این بانوی ایرانی علاوه بر «مکتب فاطمه»، دبیرستانی دخترانه ای نیز تأسیس می کند و شرایطی بسیار خوب برای تحصیل دختران در فضایی سالم فراهم می نماید. بانو سیده نصرت بیگم علم آموزی و بالارفتن سطح معرفتی زنان برایش بسیار مهم است. او معتقد است «خانم ها برای رهایی از ذلت و تزییع حقوقشان باید به تحصیل علم و کسب معرفت بپردازند.» همیشه توصیه اش این است که دختران و زنان مشکلات دوران تحصیل را تحمل کنند و درس را ادامه دهند، زیرا کمبود افراد متعهد و آگاه در جامعه خیلی حس می شود. مسیری که خودش طی کرده را این طور توصیف می کند: «خدا می داند که این راه (تحصیل) را به سختی و اضطراب گذراندم و چگونه مشقت هایی که از زخم زبان دوستان و استهزاء آنان به من وارد می شد تحمل می کردم». یکی از اصلی ترین علومی که تأکید می کند زنان در آن به تسلط و رتبه علمی بالا برسند، اجتهاد احکام است چون معتقد است «مرد ها نمی توانند حالات زن را درک کنند که فتوا بدهند پس زنان باید این قدر بخوانند تا خودشان تفقه کنند و البته این احتیاج به تحصیل زیاد دارد.»

سادگی در زندگی دختر ثروتمندترین تاجر اصفهان

بانو نصرت بیگم در دوره ای زندگی می کند که از سمت قاجاری ها و پهلوی ها، به صورت مداوم مدل های فرنگی لباس و وسایل خانه و سبک زندگی وارد می شود و مورد تأکید قرار می گیرد. اما بانو با آنکه بسیار ثروتمند است، منزل و زندگی او و خانواده اش تغییری نمی کند. آن قدر ساده و خودمانی است که در جلسات و کلاس های درسش اگر کسی او را نشناسد و وارد شود، در ابتدا قادر به تشخیص بانو از دیگر خانم ها نیست. رفتار ساده ی ایشان، ظاهر بدون تکلف و صحبت کردن روان او باعث می شود افراد زیادی برای یادگیری علوم پیش او بیایند. گفته اند هر کس برای اولین بار به دیدار بانو می آمد، ارتباطش با او دیگر قطع نمی شد.

بانو زینت السادات قلمکarian از شاگردان بانو امین است و با وجود اینکه بیشتر از پنجاه سال پیش در کلاس های تفسیر او شرکت می کرده، هنوز روانی تفسیرهای بانو امین برای عامه مردم و جلسات مباحث عرفانی که بدون هیچ تشریفاتی برگزار می شد را یادش هست. و روزهایی که برای عصرهای چهارشنبه و شرکت در کلاس های بانو لحظه شماری می کرده است. بانو زینت السادات می گوید: «با وجود اینکه ایشان از لحاظ اجتماعی موقعیت بالایی داشت و فرزند یکی از ثروتمندترین تجار زمان بود ولی زندگی مجللی نداشت، خانه شان پس از سال ها بدون تغییر مانده بود و

حتی یک گلدان تزیینی در منزل وی وجود نداشت. با وجود تمکن مالی به ظواهر بی توجه بود؛ تواضعش چنان زبانزد شده بود که در کتب خود اسمی از خودش نمی آورد و عنوان ذریه ای از ذرایع بتول را برای خود برگزیده بود».

رابطه دلسوزانه با کسانی که ظاهر مناسبی ندارند

آرامش و معنویت بانو امین هنوز در خاطر خانم قلمکاریان پررنگ است. برخورد بانو با شاگردانش در هر سطح علمی و معرفتی آنقدر مهربان و صمیمی است که او می گوید: «وقتی به محضر ایشان می رفتیم، با وجود همه عظمت علمی که داشت، گویی در کنار مادر بزرگ خود قرار گرفته ایم. هیچ گاه نمی گفت شما تازه کار هستید و متوجه نمی شوید بلکه گاهی مقامات بالای عرفانی را برای ما تشریح می کرد».

برخورد بانو با کسانی که شاید ظاهر مناسبی ندارند نیز بسیار دلسوزانه و پر از محبت است. هیچ وقت برخوردش به سمت تند نمی رود و تلاش می کند با همین محبت و ارتباط مادرانه، فطرت پاک آن ها را بیدار کند.

خانم فرشته منانی از شاگردان دیگر بانو امین است که اولین برخوردش با او این طور توصیف می کند: «منزل ایشان در خیابان آذر بود، خانه بزرگی با یک حیاط باغبانی که بانو امین در اتاق مشرف به حیاط روی تختی دونفره نشسته بود و لباس سفیدی به تن داشتند، چهره نورانی ایشان به دل می نشست، با صدایی آرامی و آرامشی در رفتار شروع به صحبت کرد و از رعایت تقوا و اطمینان قلب گفت؛ دیدار با وی اشک را از چشمانمان جاری ساخته بود و وقتی خواستیم تا موقع اتصال با خدا برای ما دعا کنند با صداقت گفت: آن موقع خود را هم از یاد می برم چگونه شما را دعا کنم».

بانو مجتهد امین پس از سالها رنج و زحمت در تهذیب نفس و تربیت شاگردان و تالیفات گران بها، در سال 1362 خورشیدی (1403 قمری) در سن 97 سالگی در می گذرد و در تکیه تخت فولاد اصفهان آرام می گیرد.